

نیز برخوردار باشد. در این شماره قصد داریم دبیران محترم زبان و ادبیات را با کاربرد یکی دیگر از الگوهای تدریس در امر آموزش آشنا کنیم. به این امید که برای دست یافتن به اهداف واقعی آموزش زبان و ادبیات، شیوه‌های نوین تدریس را به کار بگیریم.

اساس نظری الگوی پیش‌سازمان‌دهنده را نظریه‌ی معنی‌دار «آزوبل» تشکیل می‌دهد. در این الگو، ساخت شناختی و تغییراتی که در اثر یادگیری در آن صورت می‌گیرد، زیربنای اصلی یادگیری به شمار می‌رود. منظور از ساخت شناختی مجموعه‌ی اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم‌های سازمان‌یافته‌ای است که دانش‌آموز قبلاً در درس زبان و ادبیات آموخته است؛ مثلاً در تدریس درس «رستم و اشکوبس» از کتاب ادبیات ۳ و ۴، اطلاعاتی که دانش‌آموز قبلاً (در کتاب ادبیات ۱ و ۲) کسب کرده است، ساخت شناختی او را تشکیل می‌دهد. به طور کلی ساخت شناختی بر دانش‌های کلی و عمده‌ی فردی درباره‌ی زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، نگارش، واژگان، مهارت‌های زبانی و موضوعات مختلف ادبی دلالت

مطالب و مفاهیم موجود در هر یک از کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی، مجموعه‌ای از اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌هایی را به وجود می‌آورد که در قالب محتوای برنامه‌ی درسی به دانش‌آموزان عرضه می‌شود. هر برنامه‌ی درسی اهدافی دارد که از طریق محتوای تعیین شده قابل حصول است. مجریان برنامه درسی (معلم‌ان) در اجرای این اصل و تحقق اهداف زبان و ادبیات فارسی از روش‌ها و شیوه‌های متنوعی استفاده می‌کنند. همان‌طور که در شماره‌های گذشته گفته شد، معلم می‌تواند با توجه به مبنای نظری الگوهای تدریس، از الگوی مناسبی برای تدریس استفاده کند. اگر او اهداف درس زبان و ادبیات را به خوبی بشناسد و بر ظرایف و جزئیات محتوای تسلط داشته باشد، به طور قطع از الگوهای شناخته شده به درستی و به جا بهره خواهد گرفت. موفقیت معلم در امر تدریس، بر اساس رضایت دانش‌آموزان و نتایج ارزش‌یابی کلاسی و پایان سال مشخص می‌شود. شایسته است معلم زبان و ادبیات فارسی ضمن مجهز بودن به دانش رشته، از مهارت تفهیم و یاددهی

کاربرد الگوی پیش‌سازمان‌دهنده در آموزش زبان و ادبیات فارسی

حسین قاسم پور مقدم

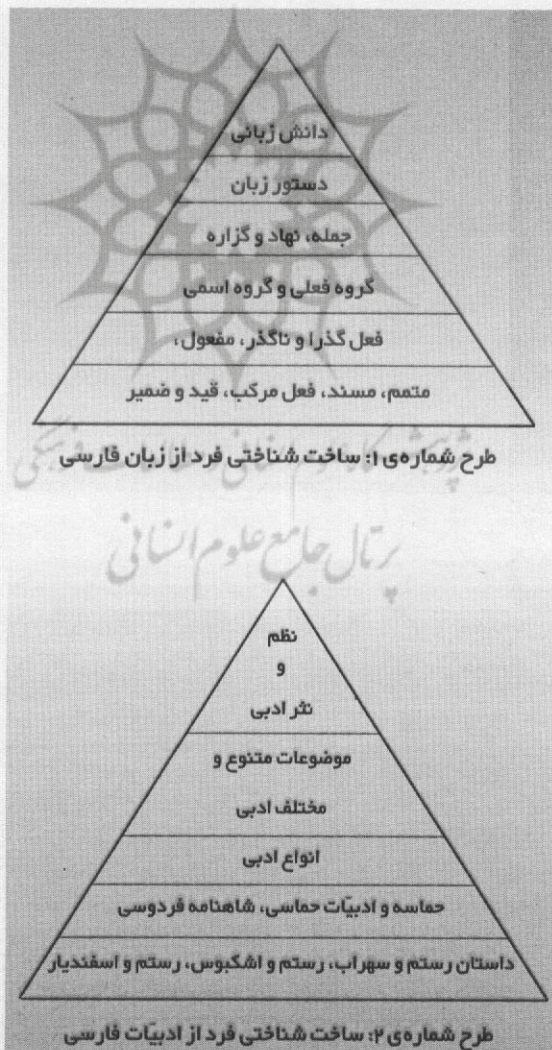
هرگاه اطلاعات و مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموز درباره‌ی زبان فارسی یا ادبیات فارسی به میزان قابل توجهی گسترش یابد و در گسترش آن ساخت شناختی، از پیش‌سازمان‌دهنده‌ها به درستی استفاده شود، باید گفت هر یک از این هرم‌های ساخت شناختی به وجود می‌آید و در مجموع، یادگیری معنی‌دار تحقق می‌یابد.

منظور از یادگیری معنی‌دار چیست؟ می‌خواهیم «جمله‌ی ساده و انواع آن» را در کتاب زبان فارسی ۳ و ۴ بر اساس الگوی پیش‌سازمان‌دهنده تدریس کنیم. به همین منظور، لازم است مفاهیم و اطلاعات تازه‌ی این درس را (جمله‌ی چهار جزئی نوع دوم) به اطلاعات و ساخت شناختی دانش‌آموزان ربط بدهیم. محصل این نوع آموزش یادگیری معنی‌دار خواهد بود. اگر مفهوم جملات چند جزئی با مفاهیمی که از پیش در ساخت شناختی دانش‌آموز ضبط و ثبت شده است، مرتبط باشد می‌گوییم آن مفهوم برای دانش‌آموز معنی‌دار است. حال اگر مطالب درس جملات چند جزئی به طور پراکنده و بدون ارتباط با یک‌دیگر در ذهن انباشته شود، یادگیری طوطی‌وار و ناپایدار خواهد بود.

بار دیگر هرم‌های ساخت شناختی بالا را در نظر بگیرید. وقتی مطالب درس تازه وارد ساخت شناختی می‌شوند، هر یک از آن‌ها در جایگاه مناسب خود و در زیر مطالب جامع و کلی قرار می‌گیرد. تصور کنید مفهومی نتواند در هیچ یک از هرم‌های ساخت شناختی جای مناسبی پیدا کند؛ به این معنی که با مفاهیم قبلی پیوند نداشته باشد؛ در این حالت، یادگیری معنی‌دار نخواهد بود. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که تکیه بر آموخته‌های قبلی دانش‌آموز در تدریس درس تازه بسیار لازم و اساسی است و یادگیری درست مفاهیم تازه را تضمین می‌کند. یادگیری هر یک از دروس زبان و ادبیات فارسی زمانی معنی‌دار می‌شود که پیش‌نیاز مفاهیم درس جدید قبلاً کسب شده باشد و معلم حرکت خود را از رأس هرم به قاعده‌ی آن تنظیم کند؛ یعنی ابتدا اطلاعات کلی را مرور کند و پس از روشن ساختن مفاهیم کلی موجود در ساخت شناختی رشته و دانش‌آموز،

می‌کند. دانش‌آموز می‌تواند به کمک مفاهیم موجود در ساخت شناختی خود در درس زبان فارسی یا ادبیات فارسی، مفاهیم و اصول جدیدتری را بشناسد. دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های تازه وقتی با ساخت شناختی فرد (آگاهی‌های پیشین) پیوند معنی‌دار داشته باشد، می‌گوییم یادگیری معنی‌دار است. الگوی پیش‌سازمان‌دهنده برای تقویت، تثبیت و تعمیق ساخت شناختی‌های دانش‌آموزان تدوین شده است. اگر اطلاعات دانش‌آموز از مهارت‌های زبانی یا موضوعات ادبی مانند انواع ادبی، به طور روشن و استوار در ذهن او سازمان یافته باشد، به راحتی می‌تواند در تدریس مطالب تازه از پیش‌سازمان‌دهنده‌ها بهره و کمک گرفت. هرگاه معلم بتواند ساخت شناختی دانش‌آموز را با مفاهیم تازه به درستی پیوند دهد، می‌گوییم از الگوی پیش‌سازمان‌دهنده استفاده کرده است. با اندکی دقت در می‌یابیم که سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های جدیدالتألیف زبان و ادبیات فارسی به شکلی است که اطلاعات قبلی هر پایه‌ی تحصیلی را می‌تواند پیش‌سازمان‌دهنده تلقی کرد و به همین دلیل ضرورت دارد در تدریس هر یک از این کتاب‌ها از این الگو نیز استفاده کنیم.

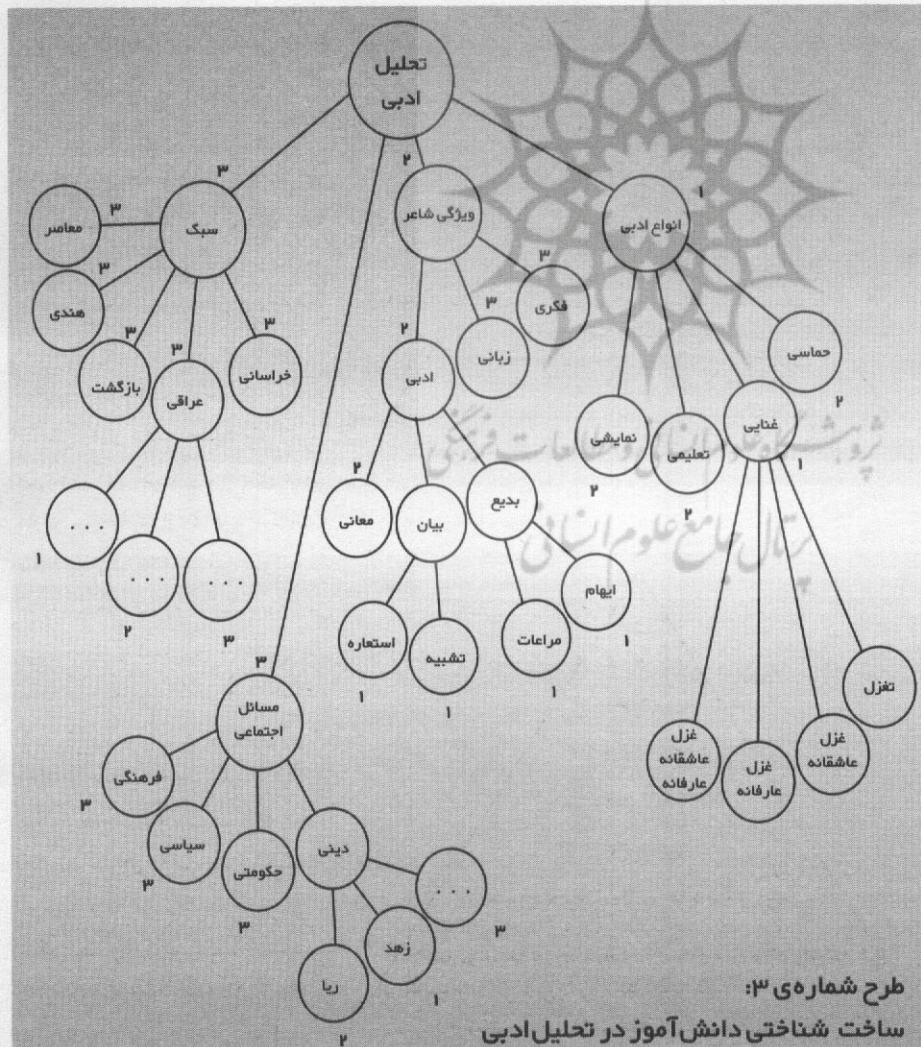
به عقیده‌ی «آزوبل» ساخت شناختی فرد عامل اصلی معنی‌دار شدن مطالب جدید است. قبل از این که مطالب جدید عرضه گردد، باید بر پایداری و روشنی اطلاعات قبلی افزوده شود. ساختاری که دانش‌مورد نظر طبق آن شکل می‌گیرد، موازی با ساختاری است که فرد آن دانش را در ذهن خود سازمان می‌دهد. هر یک از رشته‌های علمی دارای ساختاری از مفاهیم است که به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی می‌شوند. به این ترتیب، در بالاترین سطح این ساختار، مفاهیم کلی و مجرد و گسترده و در سطوح پایین‌تر آن مفاهیم جزئی‌تر و عینی‌تر رشته‌ی زبان و ادبیات قرار می‌گیرند. اگر ساخت شناختی دانش‌آموز و ساختار درس زبان و ادبیات فارسی را به شکل یک هرم تصور کنیم، مفاهیم کلی در رأس و مفاهیم جزئی و واقعی در قاعده‌ی هرم جای می‌گیرند.



در این ساختار، عدد ۱ نشان دهنده‌ی مفاهیم و مطالبی است که قبلاً آموخته شده و به مثابه پیش‌سازمان‌دهنده قابل استفاده‌اند و در حال حاضر در ساخت شناختی دانش آموز وجود دارند. عدد ۲ بیانگر مفاهیم و مطالبی است که قابلیت معنادار شدن را دارند؛ زیرا می‌توانند به مفاهیم موجود در ذهن متصل گردند. عدد ۳ مفاهیم و اطلاعاتی را نشان می‌دهد که هنوز قابلیت معنادار شدن را ندارند. این مفاهیم در ساختار کلی تحلیل ادبی قرار دارند اما هنوز بستر مناسبی در ساخت شناختی فرد پیدا نکرده‌اند (البته این فرض را در آغاز تدریس یک غزل به عنوان اولین درس یک دوره یا سال تحصیلی در نظر می‌گیریم). معلّم باید به طور مداوم در تدریس هر یک از مباحث کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی به سازمان‌دهی اطلاعات پردازد تا از پراکندگی اطلاعات ورودی به ذهن جلوگیری شود؛ زیرا در این صورت، ساخت شناختی دانش آموز چهارچوب منطقی خود را از دست می‌دهد. علاوه بر این، بهتر است به دانش‌آموزان کمک کنیم تا به تفکر درباره‌ی مباحث و مطالب جدید پردازند و به مقایسه و روشن ساختن تفاوت‌ها و شباهت‌ها دست بزنند و به

مفاهیم ساده، جزئی و عینی را تدریس نماید. می‌خواهیم درس چهاردهم از کتاب ادبیات ۳ و ۴ را با عنوان «در آرزوی تو باشم» با این الگو تدریس کنیم. ابتدا طبقه‌بندی علوم و فواید آن را با یادآوری اطلاعات موجود در ساخت شناسی توضیح می‌دهیم؛ سپس با نگاه علمی به ادبیات به تبیین انواع ادبی و تشریح طبقه‌بندی‌های انجام شده در موضوعات ادبی می‌پردازیم. بعد از آن، ویژگی‌های ادب غنایی را مطرح و نمونه‌های مناسبی را معرفی می‌کنیم و در نهایت، به تحلیل و بررسی غزل سعدی به مثابه مصداق عینی و عملی ادب غنایی می‌پردازیم. ملاحظه می‌کنید که مبنای تدریس ما ساخت شناختی موجود در انواع ادبی و ذهن دانش آموز و حرکت ما از کلی به جزئی است. به این ترتیب، می‌توان ساختار محتوای کتاب‌های جدید التالیف را با این الگو بهتر توضیح داد؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که طبق ملاک‌ها و معیارهای علمی برنامه‌ریزی درسی، روش تدریس از اهداف و محتوا پیروی می‌کند که در این کتاب‌ها به شکل ظریفی با روش سازمان‌دهی محتوا در هم تنیده شده است. مفاهیم و اطلاعات درس زبان و ادبیات فارسی را می‌توان به شکل ساختاری

به دانش‌آموزان آموخت؛ یعنی ساختار و چهارچوب علمی زبان فارسی و ادبیات فارسی اگر به درستی مصوّر و مجسم گردد، همان ساختار، ساخت شناختی دانش آموز را شکل می‌دهد. در نتیجه، او می‌تواند از آن پیش‌سازمان‌دهنده در تحلیل‌های گوناگون زبانی یا ادبی استفاده کند. فرض کنید در کلاس ادبیات شعری از حافظ می‌خوانیم و از دانش‌آموزان می‌خواهیم آن را تحلیل کنند. انتظار می‌رود با توجه به ساخت شناختی زیر آن شعر را در بخش‌هایی چون: نوع ادبی، ویژگی‌های فکری، زبانی و ادبی شاعر، مسائل اجتماعی عصر شاعر، خصوصیات شخصی شاعر، جایگاه شعر در سبک عراقی تحلیل کنند. این مفاهیم به منزله‌ی پیش‌سازمان‌دهنده‌های درس تازه به او کمک می‌کنند تا اطلاعات زیادی کسب کند و ضمن مقایسه‌ی این موارد با هم به نتیجه یا نتایج اصلی برسد.



طرح شماره‌ی ۳:
ساخت شناختی دانش آموز در تحلیل ادبی

این ترتیب، به سمت تفکر خلاق و پویا و هدفدار سوق یابند.

اصول اساسی الگوی پیش‌سازمان‌دهنده

برای اجرای هر کدام از الگوهای تدریس، باید اصول توصیه شده‌ی متخصصان و صاحب‌نظران رعایت شود. در این الگو نیز لازم است به اصول خاصی توجه کرد و آن‌ها را قبل از تدریس در نظر گرفت. برخی از این اصول عبارت‌اند از:

۱- اصل کنترل عوامل مؤثر بر یادگیری: بر اساس این الگو، یادگیری درست زبان و ادبیات فارسی زمانی تحقق می‌یابد که بین مطالب تازه و ساخت شناختی دانش‌آموز ارتباط ایجاد شود؛ بنابراین، ساخت شناختی دانش‌آموز مهم‌ترین عامل در یادگیری است. عواملی چون سازمان‌دهی مناسب، ثبات اطلاعات در ساخت شناختی و روشنی اطلاعات، در تقویت یادگیری و به خاطر سپاری مؤثر هستند. آزرول معتقد است عامل مهمی که بر یادگیری بیشترین تأثیر را می‌گذارد، آموخته‌ها و اطلاعات قبلی دانش‌آموز است. به این اصل تحقق ببخشید و بر طبق آن آموزش دهید. این اصل وقتی رعایت می‌شود که معلم در تدریس هر یک از دروس زبان یا ادبیات فارسی بین مطالب قبلی و تازه نظم و هماهنگی ایجاد کند.

۲- اصل استفاده از پیش‌سازمان‌دهنده‌ها: همان‌طور که گفته شد، ساخت شناختی فرد به شکل هرمی فرضی است که اطلاعات به صورت سلسله‌مراتب منظم و منطقی از کلی به جزئی و از انتزاعی به عینی در آن سازمان یافته‌اند. بنابراین، وقتی معلم در نظر دارد درس «گروه اسمی» را تدریس کند، باید بر مبنای هرم ساخت شناختی زبان فارسی ابتدا مفاهیم و اطلاعات کلی، جامع و انتزاعی را به طور خلاصه معرفی کند. سپس به معرفی مطالب جزئی که در واقع مفاهیم اصلی درس هستند، پردازد. به همین دلیل، در نظریه‌ی یادگیری معنی دار آزرول، پیش‌سازمان‌دهنده‌ها بسیار مهم هستند و از همین روی، این الگو به الگوی پیش‌سازمان‌دهنده شهرت یافته است. نقش و جایگاه پیش‌سازمان‌دهنده‌ها در طرح شماره‌ی ۳ دیده می‌شود.

۳- اصل تفکیک تدریجی: طبق این اصل باید در آغاز تدریس، مفاهیم و مطالب کلی تر عرضه شود؛ سپس، به تدریج مطالب و مفاهیم جزئی تر و اختصاصی تر درس بیاید؛ مثلاً در فصل «ادبیات داستانی معاصر» ابتدا باید خلاصه‌ای از چهارچوب ادبیات داستانی در دوره‌ی معاصر گفته شود و ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن معرفی گردد. سپس به طور مشخص نقش جمال‌زاده در ادبیات داستانی معاصر به خصوص داستان کوتاه تشریح گردد و در نهایت، در ضمن آن ویژگی‌های نثر او نیز برجسته شود.

۴- اصل توافق یک پارچه: طبق این اصل، نظریات، مفاهیم و مطالب تازه‌ی درس باید به طور آگاهانه و حساب‌شده و منطقی به

ساخت شناختی دانش‌آموز (محتوای آموخته شده‌ی قبلی) پیوند بخورد. اگر مفاهیم، قبل از تدریس مشخص و بر اساس اصل تفکیک تدریجی از کل به جزء چیده شود و بر این مبنا اطلاعات به دانش‌آموزان عرضه گردد، اصل توافق یک پارچه تحقق می‌یابد. درس در نتیجه‌ی این دو اصل در ذهن دانش‌آموز تثبیت می‌شود.

۵- اصل استفاده از انواع پیش‌سازمان‌دهنده‌ها: به طور کلی دو نوع پیش‌سازمان‌دهنده وجود دارد که معلم باید از هر کدام در جای خود استفاده کند؛ اول پیش‌سازمان‌دهنده‌ی توضیحی و دوم پیش‌سازمان‌دهنده‌ی مقایسه‌ای. پیش‌سازمان‌دهنده‌ی توضیحی زمانی به کار می‌رود که دانش‌آموز درباره‌ی یک درس مثلاً حماسه در سال اول متوسطه هیچ‌گونه اطلاعی ندارد و ساخت شناختی او منسجم و سازمان یافته نیست. لذا معلم مفهوم حماسه را در بالاترین سطح انتزاع و به کمک کلیاتی از این نوع ادبی توضیح می‌دهد تا ساخت شناختی سازمان یافته‌ای را به دانش‌آموز عرضه کند. پیش‌سازمان‌دهنده‌ی مقایسه‌ای وقتی به کار می‌رود که مفهوم حماسه در سال دوم متوسطه برای دانش‌آموز آشناست و معلم می‌تواند با یادآوری اطلاعات قبلی حماسه‌ی رستم و سهراب را با حماسه‌ی رستم و اشکبوس مقایسه کند تا مفاهیم جدید درس از مفاهیم قبلی متمایز شود و شباهت‌ها و اختلاف‌های این دو مشخص گردد. هم‌چنین می‌توان برای نشان دادن تفاوت‌های حماسه‌ی طبیعی و مصنوع، از پیش‌سازمان‌دهنده‌ی مقایسه‌ای استفاده کرد؛ یعنی از دانش‌آموزان خواست که درس «رستم و اشکبوس» را با «حملة‌ی حیدری» مقایسه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن دو را بیان کنند.

مرحله‌ی سه‌گانه‌ی تدریس

مرحله‌ی اول:

ارائه‌ی پیش‌سازمان‌دهنده

در این مرحله، معلم پیش‌سازمان‌دهنده را که از مطالب درس کلی تر است، ارائه می‌دهد؛ مثلاً می‌خواهد شعر «داروغ» نیما را تدریس کند. او ابتدا درباره‌ی شعر نو و چگونگی پیدایش آن و نقش نیما در شکل‌گیری آن، مطالبی کلی عرضه می‌کند تا ساخت شناختی دانش‌آموزان درباره‌ی شعر نو و ادبیات معاصر به درستی شکل بگیرد و مطالب آن نظم و ترتیب منطقی پیدا کند. در مرحله‌ی اول معلم می‌تواند برای ارائه‌ی بهتر پیش‌سازمان‌دهنده، فعالیت‌هایی را انجام دهد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تشریح و توضیح اهداف درس و انتظارات آموزشی، طرح پیش‌سازمان‌دهنده‌ها و برانگیختن اطلاعات قبلی دانش‌آموز برای فهم بهتر مفاهیم جدید. همان‌طور که در شماره‌های قبلی مجله گفته شد، روشن کردن اهداف آموزشی یکی از راه‌های جلب توجه دانش‌آموزان به درس است. این امر باعث می‌شود تا آنان به پیش‌سازمان‌دهنده‌ها خوب توجه کنند.

مرحله ی سوم:

تحکیم ساخت شناختی با ارائه ی مثال

در این مرحله، معلم مثال ها و شواهد دیگری را از اشعار نیما یا دیگر شعرای معاصر می خواند تا آن چه در پیش سازمان دهنده به عنوان مفاهیم کلی از شعر نو گفته شد و نمونه ای از آن مفاهیم در درس جدید معرفی گردید، به خوبی در ساخت شناختی دانش آموز سازمان دهی شود.

در طول این مراحل سه گانه، معلم به منظور تحکیم ساخت شناختی دانش آموز می تواند فعالیت های زیر را انجام دهد:

- ۱- مطالب کلی را همواره به مثابه پیش سازمان دهنده عرضه کند.
- ۲- از دانش آموزان بخواهد تا ویژگی های اصلی درس جدید را بیان کنند.
- ۳- اصطلاحات و توضیحات جدید را به طور دقیق و روشن بیان کند.
- ۴- از دانش آموزان بخواهد که تفاوت ها و شباهت های شعر نو و شعر سنتی را بگویند.
- ۵- از آنان بخواهد که چگونگی ارتباط مطالب جدید را با ساخت شناختی خود بیان کنند.
- ۶- از آنان بخواهد که مثال ها و نمونه های دیگری برای مفاهیم درس ارائه دهند.
- ۷- از آنان بخواهد که مطالب و مفاهیم درس را با واژگان خود بیان کنند.

پیش سازمان دهنده یک عبارت خلاصه از درس جدید نیست بلکه خود مطلبی جدا و کلی تر از درس است. گاهی معلم قبل از تدریس، مقدماتی را درباره ی درس توضیح می دهد. این توضیحات به هیچ وجه پیش سازمان دهنده نیستند. تمامی فنون شروع تدریس مثل پرسش و پاسخ و بیان نظریات و تجارب شخصی از سوی دانش آموزان جزئی از فنون ارائه ی خوب به شمار می رود. سازمان دهنده ی واقعی بیشتر بر محور مفاهیم اصلی یا نکات کلیدی درس جدید دور می زند؛ مثلاً در شعر داروگ، مفاهیم و مطالبی مانند ساحل، ابر، باران و کشتگاه و استفاده ی نمادین شاعر از این عناصر طبیعی در نشان دادن اوضاع اجتماعی زمان خود و ... جزئی و بسیار برجسته است. معلم بحثی را با عنوان «تجلی تحولات اجتماعی در شعر» آغاز می کند. این مطلب بسیار کلی و انتزاعی است اما پایه ی خوبی برای تبیین درس به شمار می رود. بنابراین، مهم ترین ویژگی پیش سازمان دهنده انتزاعی و کلی بودن آن نسبت به مطالب درس جدید یعنی «داروگ» است. می بینیم که این مطلب کلی (پیش سازمان دهنده) با توضیح کلی درس تفاوت دارد. نیازی نیست که پیش سازمان دهنده طولانی باشد بلکه لازم است ویژگی ها و مشخصات اصلی همراه با ذکر مثال توضیح داده شود (چه پیش سازمان دهنده توضیحی باشد چه مقایسه ای). در این مثال، معلم باید با ارائه ی مثال هایی از اشعار سبک های خراسانی، عراقی و هندی، جلوه های تحولات اجتماعی را در شعر نشان دهد تا مفهوم مورد نظر به خوبی جا بیفتد.

مرحله ی دوم:

ارائه ی مطالب و مفاهیم

درس جدید

در این مرحله، معلم

مفاهیم و اطلاعات درس «داروگ» را به مثابه یک نمونه از شعر نو توضیح

می دهد. برای این منظور، او می تواند از روش های سخنرانی، پرسش و پاسخ، بحث و گفت و گو، نمایش فیلم و قرائت اشعار

دیگری از نیما استفاده کند. مهم ترین نکته این است که شعر باید به صورت تصویری کلی عرضه شود تا دانش آموزان ارتباط و پیوند آن

را با پیش سازمان دهنده به خوبی احساس کنند. پس از آن، هر بیت یا مصراع توضیح داده شود. در این مرحله، هم چنین باید نظم منطقی

مطالب درس برای دانش آموزان روشن گردد (محور طولی و عرضی شعر).



مرآه سه گانه ی تدریس در الگوی پیش سازمان دهنده

منابع:

- ۱- آموزش در دوره ی متوسطه، کالاهان و کلارک، ترجمه ی جواد طهوریان، آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۲- الگوهای تدریس، جوین و دیگران، ترجمه ی دکتر محمد رضا بهرنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۳- راهبردها و فنون طراحی آموزشی، پولاک و رایلیگوت، ترجمه ی دکتر هاشم فرادانش، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۴- روان شناسی پرورشی، دکتر علی سیف، انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
- ۵- کاربرد روان شناسی در تدریس، دکتر محمد پارسا، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۶- کتاب های ادبیات فارسی ۱ تا ۴ دوره ی متوسطه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۷- کتاب های زبان فارسی ۱ تا ۴ دوره ی متوسطه، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

اشاره: عوامل مؤثر در توفیق همکاران گرامی، آگاهی کامل از محتوای دروس و اشراف بر شیوه‌ی تدریس آن‌ها، بهره‌گیری از مواد کمک آموزشی، در اختیار داشتن منابع مفید و کمکی، خودآزمایی‌های بیشتر برای ارزش‌یابی، آگاهی از نکته‌ها و مفاهیم درس‌ها، اشراف بر محور عمودی و افقی دروس، آگاهی از اهداف آموزشی و... است. هیئت تحریریه‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی برای نیل به چنین مقصودی از این پس در هر شماره، تعدادی از دروس کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی را با چنین روشی شرح و بسط می‌دهد تا راهنمای شیوه‌های مطلوب تدریس باشد.

هیئت تحریریه‌ی رشد زبان و ادب فارسی

راهنمای آموزش درس‌های کتاب ادبیات فارسی ۳ و ۴

درس چهاردهم

عنوان درس: در آرزوی تو باشم

شناسنامه‌ی درس: قالب: غزل

وزن: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر مجتث)

سبک: عراقی

نوع ادبی: غنایی

محتوا: عشق

* اهداف آموزشی درس:

- ۱- آشنایی با نمونه‌ای از شعر غنایی
- ۲- آشنایی با شیوه‌ی غزل سرایی سعدی
- ۳- آشنایی با دیدگاه سعدی درباره‌ی عشق
- ۴- ایجاد توانایی مقایسه‌ی این غزل با غزل حافظ در همین درس

* توصیه‌هایی برای تدریس:

- استفاده از نوار روان خوانی
- شرح محور عمودی و افقی غزل
- تبیین سطوح گوناگون زبانی، ادبی و فکری
- استفاده از کلیات سعدی و معرفی آن.

* شرح مشکلات و مفاهیم

- ۱- در آن نفس که بمیرم، در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
این بیت نهایت سرسپردگی و وفاداری سعدی را به معشوق نشان می‌دهد. او می‌گوید: تنها به این سبب تن به مرگ می‌سپارم که خاک کوی معشوق باشم.
- می‌توان چنین نیز گفت: سعدی به این امید می‌میرد که تش خشک و خاکش گذرگاه معشوق باشد.

- ۲- به وقت صبح قیامت که سرز خاک برآرم
به گفت و گوی تو خیزم، به جست و جوی تو باشم.
تکرار مفهوم بیت قبل است. وصال و دیدار

به حوریان و حوران جمع بسته‌اند. / بین حور و بهشت و روضه مراعات نظیر وجود دارد. در این بیت نیز سعدی در برابر همه‌ی نعمت‌های بهشت و زیبایی‌ها و وعده‌ها تنها و تنها روی معشوق را می‌طلبد و به سوی او راه می‌جوید.

در این بیت ترصیع به تقویت موسیقی شعر کمک کرده است.

۵- به خوابگاه عدم گر هزار سال بخشیم

به خواب عافیت آن‌گه به بوی موی تو باشم

خوابگاه عدم: مرگ/ خواب عافیت:

خواب آرام و راحت

بو: به دو معنی ایهام دارد: ۱- رایحه

۲- امید، آرزو

مو: مجازاً معشوق؛ ذکر جزء اراده‌ی کل

در نسخه‌ی فروغی، مصرع دوم «از خواب

عاقبت آگه» و در نسخه‌ی یغمایی «از خواب

عاقبت آن‌گه» ضبط شده است.

اگر هزار سال در گور بخوابم، در آن جانیز

در آرزوی وصال تو هستم و آسودگی خواب من

تنها به همین دلیل است که روزی تو را خواهم

دید.

۶- می‌بهشت ننوشم، ز جام ساقی رضوان

مرا به باده چه حاجت که مست بوی تو باشم

می‌بهشت: شراب کوثر و در وصف آن

گفته‌اند: شیرین تر از عسل، سپیدتر از شیر و

خنک تر از برف و نرم و نوشین تر از سرشیر است.

ساقی رضوان: به اعتقاد شیعه، ساقی

رضوان علی بن ابی طالب (ع) است. در این بیت

نیز سعدی در برابر مستی وصال معشوق، خود را

از می‌بهشتی بی‌نیاز می‌داند. در این بیت نیز بو

به دو معنی «آرزو» و «بو» ایهام دارد.

۷- هزار بادیه سهل است با وجود تورفتن

اگر خلاف کنم سعدیا به سوی تو باشم

بادیه: سرزمین بی‌آب و علف

«تو» در مصراع اول معشوق سعدی و در

معشوق برای سعدی از هر چیز مهم‌تر است؛ پس چون قیامت به پا شود، قبل از هر سؤال و جوابی سعدی از یارش سخن می‌گوید و در صحرای قیامت، آن‌جا که همه چیز و همه کس برانگیخته می‌شوند، تنها به جست و جوی یارش می‌پردازد.

۳- به مجمعی که در آینه‌ی شاهدان دو عالم

نظر به سوی تو دارم، غلام روی تو باشم

شاهد: زیبارو و شاهدان دو عالم:

زیبارویان دنیا و فرشتگان عالم بالا؛ منظور از

مجمع نیز همان قیامت است که در آن همه دور هم

جمع می‌شوند.

غلام: بنده؛ در این بیت، سعدی به غلمان

(جمع غلام: پسران زیباروی بهشتی که در خدمت

بهشتیان هستند) نیز توجه داشته است.

سعدی در این بیت برای نشان دادن مراتب

وفاداری خود به معشوق، می‌گوید: حتی

در قیامت نیز که زیبارویان دو عالم

(دنیا و بهشت) جمع می‌شوند، جز تو به چیز

دیگری نمی‌اندیشم و بنده‌ی روی زیبای تو

هستم. در قیامت تمنای حور و غلمان ندارم و تو

را می‌خواهم.

۴- حدیث روضه‌نگویم، گل بهشت نبویم

جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم

روضه: باغ و مقصود بهشت است. اسامی

دیگر بهشت عبارت‌اند از: جنت، جنت المأوی،

جنت النعیم، عدن، فردوس، دارالسلام.

گل بهشت: مقصود نعمت‌ها و زیبایی‌های

بهشت است.

حور: جمع حوراء: زن سیاه چشم؛ از

کلمات قرآنی؛ حورالعین در قرآن سه بار به کار

رفته است. در فارسی حور را جمع دانسته و آن را

مصراع دوم خود سعدی است.

به سوی تو باشم: به سوی خود باشم؛ یعنی خودخواه و خودبین باشم.

بایاد و عشق معشوق، پیمودن هزار بیابان بی آب و علف آسان است. اگر جز این عمل کنم (بر عقیده ای جز این باشم)، تمام اعمالم از سر خودخواهی و برای خویش است.

میان بادیه و سهل ایهام تبادر وجود دارد؛ یعنی سهل در مقابل جبل به معنی زمین هموار است.

۸- وزن این غزل سعدی مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن (بحر مجتث) یکی از پرکاربردترین اوزان غزل فارسی است. این وزن در کمال تناسب با محتوا و معانی و مفاهیم این غزل سعدی است. بلندی هجاهای این غزل آهنگ آن را سنگین، متین و آرام کرده است.

۹- محور عمودی این غزل تماماً از تسلیم و سرسپردگی و عشق جاودانه ی سعدی به معشوقش حکایت دارد و محور افقی نیز تکرار مضمون نامکرر عشق و بندگی و تسلیم است. هر دو محور این غزل بیانگر یک ویژگی فکری و اخلاقی و انسانی سعدی و مهم ترین آن یعنی جنبه ی عاشقی اوست. وجود سعدی را با عشق سرشته اند.

غزل سعدی غزلی عاشقانه است و در آن عشقی پاک موج می زند. عشقی که عاشق در راه آن از وجود خویش می گذرد. او خود را برای معشوق می خواهد، نه معشوق را برای خود و این نکته را حسن ختام غزل قرار می دهد:

اگر جز عشق سخنی بر زبان آرم، خود خواه و خودبین هستم.

در آمیختگی عشق با وجود سعدی به غزلیات اولطفی خاص بخشیده و خواننده ی غزل فارسی را مسحور کلام او ساخته است.

در تک تک ابیات این غزل شور عارفانه و اشتیاق عاشقانه ی سعدی را می توان دید.

۱۰- در کل غزل نوعی سادگی دیده می شود. این شیوه ی بیان نرم و روان و ساده و دل نشین سعدی همان است که از آن به سهل ممتنع یاد کرده اند و به راستی سعدی استاد آن است. این غزل سعدی چون سایر غزلیاتش زبانی شفاف دارد و از هرگونه

پیچیده گویی و ابهام و مضامین تودرتو و خیال انگیز که فهم شعر را دشوار سازد، به دور است.

* منابع کمک درسی

الف- چاپ ها:

۱- کلیات سعدی به تصحیح محمد علی فروغی، امیرکبیر

۲- کلیات سعدی به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتاب فروشی ادب

۳- غزلیات سعدی، به تصحیح حبیب یغمایی، مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱

۴- گزیده ی غزلیات سعدی، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی ب- شروع:

۱- گزیده ی غزلیات سعدی، به کوشش حسن انوری

۲- گزیده ی غزلیات سعدی، به کوشش عبدالمحمد آیتی

۳- دیوان غزلیات سعدی، به کوشش خلیل خطیب رهبر (۲ جلد)، انتشارات سعدی پ- درباره ی سعدی:

۱- قلمرو سعدی، علی دشتی، انتشارات جاویدان

۲- ذکر جمیل سعدی، ۳ جلد

۳- با کاروان حله، عبدالحسین زرین کوب

۴- سعدی، ضیاء موحد، انتشارات طرح نو

۵- تحقیق درباره ی سعدی، هانری ماسه،

توس، ۱۳۶۴

۶- چشمه ی روشن، دکتر غلامحسین یوسفی

چند خودآزمایی:

۱- غزل دیگری از سعدی را با همین محتوا در کلاس بخوانید.

۲- مرجع ضمیر «تو» در دو مصراع بیت آخر چیست؟

۳- یک نمونه ابهام در غزل پیدا کنید.

۴- با توجه به کل غزل، سعدی چه چیزی را برتر و بالاتر از بهشت می داند؟

۵- مقصود از شاهدان دو عالم چیست؟

عنوان درس: دل می رود ز دستم

قالب: غزل

وزن: مستفعلن فعولن، مستفعلن فعولن

(وزن دوری) یا مفعول فاعلاتن، مفعول

فاعلاتن (بحر مضارع)

سبک: عراقی

نوع ادبی: غنایی

محتوا: عشق و عرفان

اهداف درس:

۱- آشنایی با غزل حافظ

۲- آشنایی با شیوه ی غزل سرایی حافظ

۳- آشنایی با دیدگاه حافظ و شناخت خود

شاعر

۴- آشنایی با نمونه ای از غزل غنایی فارسی

شیوه ها و روش تدریس: ر. ک. در آرزوی تو

باشم

شرح مشکلات و مفاهیم:

۱- دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را

دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

از دست رفتن دل کنایه از عاشق شدن

صاحب دل: سالک

راز پنهان: کنایه از عشق.

۲- کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز

باشد که باز بنیم دینار آشنا را

کشتی شکسته: کسی که کشتی او بر اثر

طوفان شکسته شده باشد؛ کنایه از شخص

مصیبت دیده است. سعدی در گلستان می گوید:

«دو کس را حسرت از دل نرود و پای تغابن از گل

بر نیاید: تاجر کشتی شکسته و وارث با قلندران

نشسته». در برخی از نسخه ها به جای کشتی

شکسته، کشتی نشسته ضبط شده است.

باد شرطه: باد موافق؛ اصل کلمه هندی

است. (ز. ک مجله ی یادگار، مقاله ی علامه

قزوینی، سال ۴، ش ۱ و ۲، ص ۶۳)

باشد که: امید است که؛ انتظار می رود

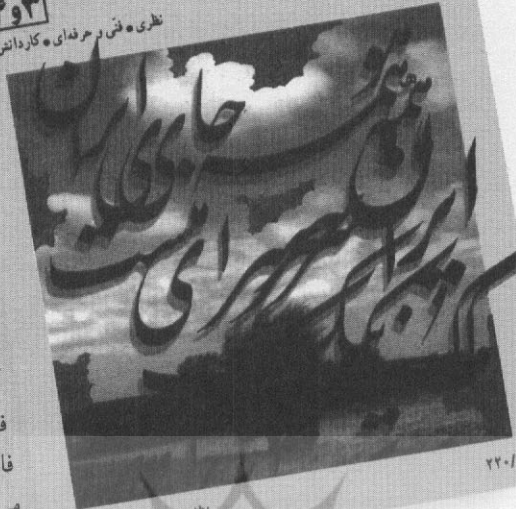
در (مقام تمنا).

آشنا: معشوق

ادبیات فارسی

۴۰۳

نظری و فنی و حرفه‌ای • کارداانش



نظام جدید آموزش متوسطه

ضمناً یکی از صفات

شمع سرکشی است که به همین دلیل فتیله (گردن) ی آن را

می‌چینند. تسلیم محبوب باش؛

زیرا در صورت عدم اطاعت،

خداوند که همه چیز در ید قدرت

اوست (سنگ خارا در دستانش چون

موم نرم است)، تو را چون شمع

در آتش غیرت خود می‌سوزاند.

۱- آینه‌ی سکندر جام می‌است بنگر

تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا.

آینه‌ی سکندر: آینه‌ی اسکندریه؛

آینه‌ی ای که در فانوس دریایی شبه جزیره‌ی

قاروس در اسکندریه تعبیه شده بود و از

فاصله‌ی صد میلی، راه را به کشتی‌ها نشان

می‌داد. این آینه از عجایب هفتگانه‌ی دنیای

قدیم بوده است.

ساختن آینه را نیز به اسکندر نسبت

می‌دهند. حافظ (شاید بر اثر خلط و بیژگی‌های

جام جم) آن را غیب‌نما نیز دانسته است. (ر. ک

مکتب حافظ ص ۲۱۴ و ۲۱۶)

دارا: داریوش سوم که به دست اسکندر

کشته شد.

به اعتقاد حافظ، جام می همان آینه‌ی

اسکندر است که دیدنی‌ها را می‌توان در آن دید؛

از جمله بی‌اعتباری ملک دارا را. دارا کسی بود

که با وجود آن همه حشمت و شوکت به دست

اسکندر کشته شد.

۹- خویان پارسی‌گو، بخشنده‌گان عمرند

ساقی بله بشارت رندان پارسا را

در برخی نسخه‌ها به جای «خویان»،

«ترکان» آمده است.

خویان: زیبارویان/پارسی‌گو: غزل‌سرا/

پیران پارسا: پیران پارسی، اهل پارس

رند: از مفاهیم کلیدی حافظ که در لغت

به معنی شخص لاابالی، یک لاقبا و طغیان‌گر

است و امروزه به مفهوم زرنگ و فرصت‌طلب

به کار می‌رود. حافظ بار مثبتی به این کلمه

بخشیده و آن را صفت خود قرار داده است.

حافظ، رند را در معنی انسان کامل عرفا به کار

می‌برد و از آن اولیاء الله را اراده می‌کند. این مسئله

هستی بخش، گدایان را چون قارون بی‌نیاز و توانگر می‌سازد.

لازمه‌ی عیش و مستی دارایی و ثروت است

اما حافظ می‌گوید: هنگام تنگ‌دستی در عیش

کوش که امکان ندارد.

۷- سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد

دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

غیرت: حسادت، رشک؛ در این جا مراد

غیرت الهی است؛ زیرا نزد عرفا، خداوند هم

عاشق است و هم معشوق. عزالدین

محمود کاشانی می‌گوید:

«اما غیرت محبوب یا بر تعلق محب بود یا

غیر یا بر اطلاع غیر بر حال محب. وجود این

غیرت از محبوب وقتی صورت بندد که محب،

محب بود و غیرت محبوب بر تعلق محب با غیر،

بی‌شک قطع تعلق او کند از غیر و آن غیر، عبارت

است از هر چه موجب سکون باطن و قرار

دل محب گردد، از دنیا و آخرت و مافها. »

«ت» در غیرت متعلق به «بسوزد» است؛

یعنی، تو را از غیرت بسوزد. «بسوزد» فعل

متعدی است؛ یعنی، بسوزاند و فاعل آن «دلبر»

است. سنگ خارا: سنگ سخت. بین موم و خارا

تضاد و میان شمع و بسوزد و موم تناسب برقرار

است.

۳- ده روزه مهرگردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

ده روزه مهرگردون: محبت کوتاه

روزگار گذران

افسانه و افسون: حيله و نیرنگ

به جای: در حق، در باره‌ی

خوشی‌ها و دل‌بستگی‌های کوتاه و موقت

روزگار جز حيله و نیرنگ نیست. نیکی در حق

یاران را غنیمت دان.

۴- ای صاحب کرامت، شکرانه‌ی سلامت

روزی تقدی کن درویش بی‌نوا را

شکرانه‌ی سلامت: به شکرانه‌ی سلامتی/

تقد: دل‌جویی

روزی ایهام دارد ۱- رزق ۲- یک روز،

بینوا نیز خالی از ایهام نیست ۱- فقیر ۲- بی‌صدا

و کسی که از فقر سخن نمی‌گوید و دم نمی‌زند.

۵- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

دو حرف: کنایه از دو جمله، دو نکته/

مروت: جوان مردی/مدارا: نرم‌خویی،

ملاطفت داشتن؛ آسودگی خاطر در دو جهان

مشروط به دانستن این دو نکته و عمل کردن به آن

است: با دوستان با جوان مردی و مروت رفتار

کردن و با دشمنان مدارا و ملاطفت و نرم‌خویی.

۶- هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی

کاین کیمیای هستی قارون کند گدارا

کیمیا: صنعتی که اجسام ناقص را به مرتبه‌ی

کمال می‌رساند است؛ فن یا آرزوی تبدیل مس به

طلا، اکسیر.

کیمیای هستی: کیمیای هستی بخش؛

مقصود حافظ عیش و مستی است.

قارون: از اقوام حضرت موسی که ثروتی

بی‌اندازه داشت؛ چنان که چندین نفر مأمور حمل

کلید خزاین او بودند. وی جاه‌طلب، بخیل و اهل

فتنه و فساد بود. سرانجام به امر خداوند، قارون

و ثروت انبوهش به اعماق زمین فرو رفتند.

(ر. ک. قصص قرآن، آیات ۷۲ تا ۸۲ و اعلام

قرآن؛ دکتر خزائلی، ص ۴۸۰).

این ندیم قارون را نخستین کیمیاگر می‌داند.

هنگام تنگ‌دستی و فقر به جای غم و غصه

به عیش و نوش پرداز که می، این ماده‌ی

هشتادبار در دیوان حافظ به کار رفته است. رند حافظ، سلامت، قلندر، اهل تساهل و توکل، دوستدار ظرافت و زیبایی، اهل عشق، به دور از ریا، نکته‌گو و نکته‌بین است. زیبارویان پارسی گو بخشندگان عمرند؛ ای ساقی، این نکته را به رندان پارسی بشارت ده.

نکته: ضبط ترکان پارسی گو بهتر است؛ زیرا پارسی‌گویی برای خوبان فضیلتی نیست اما برای ترکان مزیتی است که بر زیبایی و دیگر محاسن آن‌ها می‌افزاید. در مصراع دوم نیز به قرینه‌ی پارسا (پارسی) باید در مصراع اول «ترکان» باشد (ر. ک حافظ‌نامه، ج ۱، ص ۱۳۵).

۱۰- حافظ به خود نشوید این خرقره‌ی می‌آلود
ای شیخ پاک دامن، معذور دار ما را
به خود: به اختیار خود/ این خرقره‌ی
می‌آلود: هستی، طریق و مشی زندگی/ شیخ:
واعظ

حافظ در این بیت به عقیده‌ی اشاعره که می‌گویند: «افعال عباد اجباری است و نه اختیاری» اشاره می‌کند و یادیدی جبرگرایانه می‌گوید: حافظ تشرف به هستی را به اختیار برنگزید. پس ای واعظ، ما را معذور بدار و از نصیحت ما دست بردار.

عمده‌ترین ویژگی‌های غزل حافظ را می‌توان در این نمونه نشان داد:

حافظ بیش از هر کس دیگری از پیشینیان خود بهره گرفته و به کار آنان اعتلا بخشیده است.

سعدی غزلی دارد با همین وزن و قافیه:
مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا
گر تو شکیب داری طاقت نماند ما را
به نظر می‌رسد حافظ به این شعر نیز بی‌نظر نبوده است. در میان کسانی که حافظ از آنان تأثیر پذیرفته، تنها غزلیات سعدی همتای غزلیات حافظ است.

حافظ اسطوره‌ساز است؛ یعنی با تصرف در واقعیت‌ها اسطوره‌هایی چون پیرمغان، رند، دیرمغان، می، جام و... رامی‌سازد. در این غزل نیز جام می، ساقی، خرقره، رند، گدا و... اسطوره‌های بر ساخته‌ی حافظ‌اند. او گاه در اسطوره‌های گذشته نیز دخل و تصرف

می‌کند. در بیت هشتم خاصیت جام‌جم را به آئینه‌ی اسکندر نسبت داده است که می‌توان احوال ملک دارا در آن دید. از دیگر ویژگی‌های حافظ رندی اوست که در شرح مفاهیم بدان اشاره شد.

جنبه‌ی عرفانی و اخلاقی غزلیات حافظ بسیار بالا و منحصر به فرد است. او در عرفان شیوه‌ی خاص خود را دارد؛ یک سره نهادهای رسمی صوفیه را به کنار می‌نهد. در اخلاق آزادمنش و رند و وارسته است و شاید در این غزل، این ویژگی و منش او را بهتر و آشکارتر بتوان دید.

ده روزه مهرگردون جز افسانه و افسون
نیست؛ پس نیکی در حق یاران را باید غنیمت
شمرد.

به شکرانه‌ی سلامتی باید به درویش بی‌نوا
تفقد کرد. آسایش دو گیتی در گرو دو نکته است:
مروت با دوستان و مدارا با دشمنان. هنگام
تنگ دستی در عیش کوش و مستی و... همه و همه
پیام‌های اخلاقی حافظ هستند. در این غزل،
می‌توان پیوند غزل عارفانه‌ی مولانا و غزل
عاشقانه‌ی سعدی را به خوبی دید؛ مثلاً این
دو بیت در محور عمودی غزل گویاست:

دل می‌رود ز دستم، صاحب دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد
دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
غزل‌آمیزه‌ای از عشق و عرفان و شناور بین
این دو است. علاوه بر این - چنان که اشاره شد -
مفاهیم اجتماعی و اخلاقی نیز در کنار این دو مقوله
خوب جای گرفته‌اند.

تاویل‌پذیری از ویژگی‌های شعر حافظ
است و شعر او چون منشور چندوجهی و
کثیرالاضلاع است و به همین علت، آن را یک بار
می‌توان عاشقانه خواند و تعبیر کرد، بار دیگر
اجتماعی و انتقادی و یک بار عرفانی. همه‌ی
این‌ها هست و هیچ‌یک به تنهایی نیست. معنی و
مضمون و لفظ و معنی هر دو به شکلی هنری
در شعر حافظ تجلی پیدا می‌کند. او مثلاً در ابیات
۱، ۲ و ۹ این غزل بیشتر مضمون پردازی می‌کند؛

در حالی که در ابیات ۳ و ۴ و ۵ و ۶ معانی زیبایی
می‌آفریند.

منابع کمکی

چاپ‌ها:

۱- دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی،
تصحیح علامه محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار،
تهران، ۱۳۶۹.

۲- دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی،
تصحیح پرویز ناتل خانلری، ج ۲، انتشارات
خوارزمی

۳- حافظ به سعی سایه، (هوشنگ ابتهجاج)،
نشر جامی

شرح‌ها:

۱- حافظ‌نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی،
انتشارات سروش و مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات
فرهنگی

۲- شرح غزلیات حافظ، خلیل خطیب‌رهر،
جلد ۴

۳- شرح غزلیات حافظ، حسینعلی هروی، ۴
جلد

۴- شرح سودی بر حافظ، ترجمه‌ی
عصمت ستارزاده

۵- در جست و جوی حافظ، رحیم ذوالنور

در باره‌ی حافظ:

۱- مکتب حافظ: منوچهر مرتضوی،
انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۷۰

۲- از کوچه‌ی رندان، عبدالحسین
زرین‌کوب، امیرکبیر

۳- تاریخ عصر حافظ، قاسم غنی، انتشارات
زوار

۴- گلگشت، محمد امین ریاحی

۵- ذهن و زبان حافظ، بهاء‌الدین خرمشاهی

۶- حافظ شیرین سخن، محمد معین

۷- آئینه‌ی جام، عباس زریاب خویی

۸- فرهنگ اشعار حافظ، احمدعلی رجایی
بخارایی، انتشارات علمی

۹- واژه‌نمای اشعار حافظ، مهین دخت
صدیقیان.

چند خودآزمایی:

- ۱- درباره‌ی سه سطح زبانی، فکری و ادبی بیت زیر شرح دهید.
- هنگام تنگ دستی در عیش کوش و مستی کاین کیمیای هستی قارون کند گذارا
- ۲- پیام کلی بیت زیر را بنویسید.
- حافظ به خود نیشید این خرّقه‌ی می آلود ای شیخ پاک دامن، معذور دار مارا
- ۳- مقصود از «غیرت» در مصرع «سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد» چیست؟
- ۴- در کدام یک از ابیات غزل، عدم اختیار آدمی در کردارش دیده می‌شود؟
- ۵- اگر ضبط دیگر بیت نهم را بپذیریم، (ترکان پارسی گو، بخشنندگان عمرند)، آیا زیبایی بیت افزون می‌شود؟ توضیح دهید.
- ۶- در بیت:

دل می‌رود ز دستم صاحب دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
مقصود از «راز پنهان» چیست؟

- ۷- در این غزل، دو عبارت کنایی بیابید.
- ۸- بیت زیر را از نظر دستوری منظم کنید.
- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است:
بادستان مروت، بادشمان مدارا
- ۹- درباره‌ی اصل کلمه‌ی مدارا تحقیق کنید.
- هنگام استفاده از این کلمه در زبان فارسی، چه تغییری در آن روی داده است؟

در باره‌ی بیاموزیم: ایهام

- علاوه بر نمونه‌های کتاب، ابیات زیر نیز شواهدی از ایهام را در خود دارند.
- ۱- گفت و خوش گفت برو خرّقه بسوزان حافظ یارب این قلب شناسی ز که آموخته بود
 - دل
 - قلب
 - تقلب
 - ۲- من مانده‌ام مهجور از او، در مانده و رنجور از او گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود.
 - (سعدی)
 - از دور (نیش در جانم می‌رود)
 - دور از او
 - نیش از او دور باد (معنی دعایی)

۳- چنگ خمیده قامت، می‌خواندت به عشرت بشنو که پند پیران هیبت زبان ندارد (حافظ)

نصیحت پیران
پند پیران

پند پیران نام کتابی است (یا پیران ویسه).
۴- صائب، مدد خلق نمودیم به همت در ظاهر اگر مالک دینار نگشتم (صائب)

صاحب ثروت
مالک دینار

مالک دینار از عرفای مشهور
۵- دی می‌شد و گنتم صنما عهد به جای آر گفنا غلطی خواجه در این عهد وفانیست روزگار

عهد
پیمان

۶- شد حلقه قامت من تا بعد ازین زقیبت زین در دگر نراند ما را به هیچ بابی حلقه‌ی در

حلقه
کمانی شدن پشت

۷- حافظ از معتقدان است گرامی دارش زان که آمرزش بس روح مکرم باوست
۱- بس روح مکرم برای او طلب آمرزش می‌کنند.

۲- او برای بس روح مکرم طلب آمرزش می‌کند.

۸- شرابی بی خمارم بخش یارب که باوی هیچ دردسر نباشد

صداع
دردسر

۹- بر در ارباب بی مروت دنیا چند نشینی که خواجه کی به در آید

۱- بر در دنیا که چون ارباب بی مروتی است
۲- بر در دنیا داران بی مروت

درباره‌ی ایهام ر. ک: نامه‌ی فرهنگستان، دلالت چندگانه، ایهام و ایهام، نگارداوری، سال دوم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۵، ص ۳۴ تا ۵۴ / ایهام

در شعر فارسی، سید محمد راستگو، مجله‌ی معارف، دوره‌ی ۸، سال ۱۳۷۰ / مکتب حافظ، دکتر منوچهر مرتضوی، ایهام، خصیصه‌ی حافظ، نوس، ج ۲، ۱۳۶۵)

پاسخ خودآزمایی‌ها:

- ۱- می
- ۲- درویش نوازی: بیت ۴، حسن خلق: بیت ۵، اغتنام فرصت: بیت ۶
- ۳- معنی آیه چنین است:

به سوی فرعون بروید که سر به طغیان برداشته است و با او سخنی نرم بگویید؛ باشد که پند گیرد یا خشوع و خشیت یابد. در این آیه بر قول لیلین (نرم) تأکید شده است؛ زیرا درشت‌گویی - ولو در حقیقت گویی - مخاطب را به مقاومت و انکار می‌کشاند. غزالی می‌نویسد: «... یکی بر مأمون حسبت کرد و سخن درشت گفت. مأمون گفت: ای جوان مرد، خدای تعالی بهتر از تو به بدتر از من فرستاد و گفت سخن نرم بگویی. موسی و هارون (ص) را به فرعون فرستاد و گفت: فقولا له قولا لینا، سخن نرم گوید، باشد که قبول کند.» (کیمیای سعادت ۵۱۸/۱)

حافظ نیز در این بیت مدارا با دشمن را شیوه‌ی خود قرار داده تا دشمن را نرم کند و در او اثر بگذارد.

۴- درباره‌ی آینه‌ی اسکندر د. ک: حافظ‌نامه ج ۱، ص ۱۳۴ / دایرة‌المعارف فارسی مصاحب، ذیل آینه / لغت‌نامه‌ی دهخدا، مکتب حافظ/ ص ۲۱۶-۲۱۴.

درباره‌ی داراز. ک: تاریخ ایران باستان، حسن پیرنیا، آخرین شاه، علی‌حضور

ایران از آغاز تا اسلام، رومن گیرشمن، ترجمه‌ی دکتر محمد معین